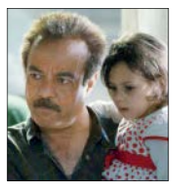

«زنبور کارگر» در جنوب تهران

فیلمبرداری فیلم سینمایی زنبور کارگر، در لوکیشنی حوالی جنوب تهران در حال پیگیری است. به گزارش جام جم، فیلمبرداری فیلم سینمایی زنبور کارگر به نویسندگی سعید نعمت‌ا... و تهیه‌کنندگی و کارگردانی افشین صادقی در بخشی از لوکیشن امامزاده ابراهیم و اسماعیل کهریزک در حال انجام است.

حمید فرخ‌نژاد، شبنم مقدمی، سعید آقاخانی، پگاه آهنگرانی، حسین مهری، علیرضا آرا و مارال فرجاد برخی بازیگران این درام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در خلاصه قصه این فیلم آمده است: بیوك که سال‌ها پیش زنش را به دلیل اهمال پزشکی از دست داده، در نزاعی کشته می‌شود. حالا دختر او درصدد قصاص قاتل است. سعید نعمت‌ا... که نویسنده سریال پربیننده برادر جان در شبکه سه بود، در سینما نویسندگی فیلمنامه فیلم‌های حوالی اتوبان و طاووس‌های بی‌پر را در کارنامه دارد. افشین صادقی نیز پیش از این، دو فیلم سینمایی داشتن و نداشتن و مقلد شیطان و بیش از ۳۰ فیلم تلویزیونی را کارگردانی کرده است.

به بهانه اکران فیلم سینمایی «وکیل مدافع» سراغ سلما بابایی کارگردان این اثر رفتیم

من آقازاده نیستم!

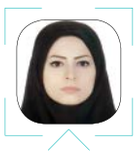

ساناز قنبری
سینما

دختر شهید عباس بابایی بودن سخت است. سخت، چون چشم‌های جامعه تو را نگاه می‌کنند، اما نمی‌بینند. صدایت را می‌شنوند، اما گوش نمی‌دهند. دختر شهید بابایی بودن سخت است، چون یك ایران یك کشور از تو توقع دارند و تو باید در برابر تمام این توقع‌ها، آرام و متواضع راهت را ادامه دهی.

این حرف‌ها را سلما بابایی راجع به خودش نمی‌زند، بعد از ظهری که همراه با وندادِ دوشن، همکار قدیمی‌اش مهمان ما در دفتر روزنامه جام جم بود از لابه‌لای حرف‌هایش که نمایانگر عزت و سختکوشی درونی‌اش بود، احساس کردم.

«وکیل مدافع» که این روزها بر پرده سینماهاست، فیلمی است در حوزه دفاع مقدس با کارگردانی مشترك سلما بابایی و وندادِ دوشن. فیلمی که در یك کلام می‌گوید: هیچ‌کسی حق ندارد از جنگ، دفاع مقدس و شهدا برای منافع شخصی و سیاسی خودش سوءاستفاده کند. آنچه پیش روی شماست حاصل دو ساعت گفت‌وگو با این دو کارگردان جوان درباره نخستین فیلم بلند سینمایی‌شان، وضعیت اکران و سینمای دفاع مقدس است که خواندنش خالی از لطف نیست.

سریال «شوق پرواز» داستان زندگی خلبان شهید عباس بابایی، پدر مرحوم شماست که در زمان پخش با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد. از آن به بعد طبق شنیده‌ها خانواده شما با شهاب حسینی که نقش پدر شما را بازی می‌کرد رابطه خوبی پیدا کرد. می‌خواهم بپرسم چرا از مشاوره یا بازی ایشان در فیلم‌تان استفاده نکردید؟

بابایی: می‌خواستم این کار را بکنم، اما ایشان در آن زمان خارج از ایران بودند. حتی وقتی که به ایران برگشتند و از جریان فیلم ما باخبر شدند خیلی گله کردند که چرا به ایشان حرفی نزدیم. حالا امیدوارم از حضور ایشان بتوانیم در کارهای بعدی‌مان بهره ببریم.

یعنی اگر ایران بودند یکی از بازیگران فیلم‌تان می‌شدند؟

بابایی: در فیلم نقشی که مناسب ایشان باشد نبود، اما در نظر داشتم از آقای حسینی به عنوان مشاور بخواهم کنارمان باشند.

ایده ساخت فیلم «وکیل مدافع» از کجا آمد؟

بابایی: وقتی دفتر فیلمسازی را تاسیس کردیم، هدف‌مان را گذاشتیم روی ساخت آثاری با محوریت زندگی شهدایی که کمتر کسی آنها را می‌شناسد، اما در نظر داشتیم به مرور زمان فیلم بلند هم بسازیم تا این‌که فیلمنامه‌ای از آقای شاهمرادی‌زاده به ما پیشنهاد شد که با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس (اواخر امسال)، تصمیم گرفتیم با بازنویسی مجدد آن را بسازیم.

دوشن: وقتی فیلمنامه آقای شاهمرادی‌زاده را خواندیم به نظرمان چندان گیرا نیامد و در عین حال هزینه گسترده‌ای می‌خواست که سرمایه‌گذار ما (شرکت سرمایه‌گذاری مبینا) قادر به تامین آن نبود. در نهایت با آقای علی‌اکبری (تهیه‌کننده فیلم) صحبت کردیم و ایشان جانمایه این فیلمنامه را تحسین کردند. طرح اولیه را از فیلمنامه آقای شاهمرادی‌زاده استخراج کردیم و فیلمنامه جدید و کاملی به نام «وکیل مدافع» نوشته شد.

داستان یك خطی وکیل مدافع از نظر خودتان چیست؟

دوشن: وکیل مدافع، ماجرای یك مرد ساده شهرستانی به نام شمس‌الدین (با بازی ایمان افشاریان) است که هواهای بزرگی در ذهنش دارد، هواهایی که اندازه آنها نیست. این مرد دوست کارگردانی (با بازی کورش تهامی) دارد که در نهایت با قرار دادن این شخصیت در موقعیت‌های فانتزی به او می‌فهماند که نیت تو درست نیست.

بابایی: در واقع کارگردان داخل فیلم، می‌خواهد به شخصیت اصلی داستان درس بدهد و بنابراین موقعیت‌هایی واقعی را از جنگ پیش روی او می‌گذارد که به او بفهماند: «تو نباید از جبهه و جنگ سوءاستفاده ببری».

و در نهایت این شخصیت متحول می‌شود؟

دوشن: به تحول می‌رسد، ولی ما باز هم در انتها به نوعی راه وسوسه شدن را برای این آدم باز گذاشتیم. چون وسوسه هیچ‌وقت انسان را رها نمی‌کند.

بابایی: وسوسه‌شدن خصلتی است که بین تمام انسان‌ها مشترك است، اما انسان می‌تواند بر وسوسه‌هایش غلبه کند.

دوشن: البته این راه هم بگویم که ما از مفهوم واقعی فیلم در جهت تعمیم آن به مفاهیم دیگر بهره بردیم. به این دلیل که مردم ما برای شهدا احترام زیادی قائل هستند که گاهی بعضی‌ها از این احترام سوءاستفاده می‌کنند و همین مردم را دلزده می‌کند.

قصد مقایسه وکیل مدافع را با فیلم «لیلی با من است» ندارم، اما به نظرم سیر تحولی که پرویز پرستویی در لیلی با من است دارد، وجوه مشترك بسیاری با ایمان افشاریان در وکیل مدافع دارد!

بابایی: ما هیچ وجه مشترکی (چه به لحاظ ساختاری و چه متن) بین این دو فیلم نمی‌بینیم، اما شاید چون مشاوره فیلمنامه ما آقای رضا مقصودی همان فیلمنامه‌نویس فیلم لیلی با من است، هستند بعضی‌ها این‌طوری احساس می‌کنند، اما واقعا نظر ما از ابتدا این نبود که فیلمی با نگاه به لیلی با من است، بسازیم.

> **بابایی:**
> از کجا می‌دانید من از نام پدرم سوءاستفاده کردم؟ از کجا می‌دانید پسر شهید دیگری از اسم و موقعیت پدرش سوءاستفاده کرده است؟ من و امثال من در دایره مفهوم «آقازادگی» این جامعه نمی‌گنجیم

شاید اگر مشاور فیلم‌تان را تغییر می‌دادید این شباهت نسبی اصلا به وجود نمی‌آمد!

دوشن: اتفاقا خود آقای مقصودی جلوی این مساله را می‌گرفت و باعث می‌شد شباهت بین این دو فیلم به وجود نیاید. ضمن این‌که من خوشحالم فیلم ما را با فیلم لیلی با من است مقایسه می‌کنند، چون در سینمای ایران فیلم‌های طنز دفاع مقدسی یا متعالی است مثل لیلی با من است یا غیرمتعالی مثل بعضی از فیلم‌ها که نام‌شان را نمی‌برم. از این جهت خوشحالم که فیلم‌مان را با طنزی متعالی مقایسه می‌کنند، اما واقعیت این است که نه قصه، نه سیر تحول شخصیت اصلی و نه هیچ‌کدام از جزئیات فیلم ما هیچ ربطی به لیلی با من است ندارد. لیلی با من است در زمان حال اتفاق می‌افتد و شخصیت اصلی داستان می‌داند که به جبهه و فضای واقعی جنگ می‌رود، اما در وکیل مدافع شخصیت اصلی وارد دنیایی فانتزی می‌شود.

چرا اولین فیلم بلندتان را یك کمدی دفاع مقدسی ساختید؟

دوشن: ما می‌توانستیم کارمان را با یك گونه دیگر شروع کنیم، اما چند مسأله داشتیم. اولا این‌که خودمان پول نداشتیم و سرمایه‌گذاری داشتیم که درست است سرمایه اولیه را در اختیارمان گذاشت، اما به گیشه و به فروش هم فکر می‌کرد.

بابایی: سرمایه‌گذاران ما لطف کردند در شرایط فعلی این سرمایه را در اختیار ما گذاشتند و البته گیشه برای ما و برای هر کارگردانی مهم است. چون هر فیلمسازی فیلم می‌سازد که مردم آن را ببینند. اگر ما فیلم‌مان را با کارکمدی دفاع مقدسی ساختیم، به این خاطر بود که مردم در شرایط کنونی خیلی تاب دیدن فیلم‌های جنگی را ندارند و نیاز است برای کشش بیشتر داستان از طنز هم استفاده شود.

دوشن: البته وکیل مدافع فیلمی نیست که مردم با دیدن آن در سالن ریسه بروند و طنز موجود در آن صرفا برای گرفتن واقعیت تلخش است. واقعیت تلخی که در جامعه کنونی همه ما از آن متاثر هستیم و گریزی هم از آن نیست.

بابایی: در واقع هدف ما از ابتدا گیشه نبود. چون اگر می‌خواستیم این‌طور فکر کنیم سراغ سوژه‌های گیشه‌پسند می‌رفتیم، نه دفاع مقدس. سال‌ها پیش جنگی در کشور ما رخ داد که خیلی‌ها از آن لطمه دیدند و یکی از آن خیلی‌ها؛ خود من. من که پدرم را در جنگ از دست دادم وقتی خیلی از اتفاقات کنونی را می‌بینم به شدت متاثر می‌شوم و دوست دارم از راهی که می‌توانم یعنی تصویر و فیلم به مردم بگویم که ما همدرد شما هستیم و شاید همین تصاویر و فیلم‌ها تلنگری باشد به کسانی که عملکرد نامطلوبی در سطح جامعه دارند.

اتفاقا خیلی‌ها می‌گویند سوژه‌های دفاع مقدس دیگر تمام شده و شاید بهتر است آن را در مفاهیم گسترده‌تری مثل بحران جامعه کنونی بسط دهیم. نظر شما در این باره چیست؟

بابایی: راستش را بخواهید با وضعیتی که من الان از بازخورد فیلمم در جامعه می‌بینم باید بگویم که بله، انگار دیگر دغدغه جنگ و دفاع مقدس وجود ندارد. ببینید، شما کاری انجام می‌دهید که دغدغه همه هست، اما وقتی ارزشی برای آن قائل نمی‌شوند، چرا باید آن را ادامه دهید؟ من هم می‌توانم بروم سراغ مضمونی دیگر که هم راحت‌تر است و هم گیشه بهتری دارد. شمای مسؤول چرا قول حمایت از سینمای دفاع مقدس را می‌دهید و بعد که به مرحله عمل می‌رسد روی حرف‌تان نمی‌ایستید؟ کشور ما الان به سمت و سویی می‌رود که جبهه و جنگ در حال فراموشی است! مردم ما به قدری درگیر امرار معاش و مشکلات اقتصادی هستند که دیگر جبهه و جنگ برایشان معنایی ندارد. خون‌های زیادی برای این‌که ایران، ایران باشد ریخته شد و من واقعا امیدوارم مشکلات فعلی مردم هر چه سریع‌تر حل شود. نوجوان‌ها و جوان‌های امروز ما اصلا نمی‌دانند دهه ۶۰ چه اتفاقاتی در ایران افتاده! خب در اینجا سینما به عنوان یك رسانه فراگیر چه رسالتی دارد؟ آیا نباید واقعیت آن روزها و آن آدم‌ها را برای نسل جدید به تصویر بکشد؟ آیا نباید متولیانی باشند که فیلمسازان را در این زمینه حمایت کنند؟

دوشن: به نظر من با گذشت سال‌ها از جنگ، اما همچنان سینمای دفاع مقدسی موضوعات ناب و جذابی برای ساخت دارد. از جنگ جهانی دوم سال‌ها می‌گذرد، اما ببینید کریستوفر نولان در «دانکرك» چه کرده. پس جنگ منبع پایان‌ناپذیر سوژه است، اما اگر قرار باشد یك نوع تفکر خاص را مدام در تمام فیلم‌های دفاع مقدس تکرار کنید، نتیجه‌اش می‌شود دلزدگی و خستگی از سینمای دفاع مقدس. هشت سال در این کشور جنگ بوده و الان دست فیلمساز باید باز باشد که هرکس برداشت خودش را از جنگ داشته باشد، چرا حکم می‌کنید که همه یك‌جور فکر کنند! به تعداد تمام فیلمسازها، سینمای ایران می‌تواند فیلم دفاع مقدسی داشته باشد. چندوقت پیش شنیدم که آقای حاتمی‌کیا از فیلم «باشو غریبه‌ای کوچك» بسیار تمجید کردند. خب این نشان می‌دهد که آقای بیضایی در آن زمان نگاهی به جنگ داشتند که هنوز که هنوز است تازگی دارد. وقتی اجازه بدهید در فیلمسازی تکثر افکار حاکم شود قطعا شاهد آثار بی‌نظیری در حوزه دفاع مقدس خواهیم بود.

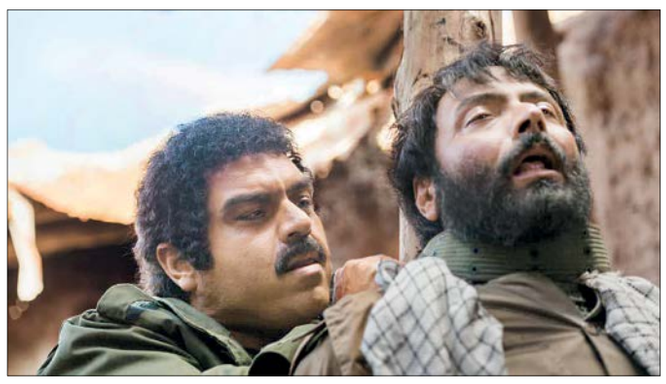

در سینمای جهان وقتی جنگی رخ می‌دهد تا سال‌ها و شاید قرن‌ها شاهد آثار سینمایی راجع به آن هستیم. ما در سینمای ایران چطور می‌توانیم به الگویی شایسته از مهم‌ترین جنگ منطقه خودمان برسیم؟

دوشن: اساسا باید الگو را از سینما حذف کرد برای این‌که سینما حاصل تفکر است. فیلمساز یك انسان متفکر است که راجع به یك موضوع فکر و سوژه موردنظرش را از آن استخراج کرده است. وقتی شما با چنین تفکری مواجه هستید باید الگو را از آن حذف کنید. چرا ما نباید منحصر به خودمان باشیم؟ فیلمساز در واقع باید فکر خودش را به بیننده منتقل کند.

> **دوشن:**
> جنگ منبع پایان‌ناپذیر سوژه است، اما اگر قرار باشد یک نوع تفکر خاص را مدام در تمام فیلم‌های دفاع مقدس تکرار کنیم نتیجه‌اش می‌شود دلزدگی و خستگی مردم از سینمای دفاع مقدس

بابایی: در کنار آن باید فضای مناسبی جهت حمایت از فیلمساز فراهم شود. چون یك دست صدا ندارد و فیلمساز به تنهایی نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.

قطعا در اطراف‌تان نسل‌های سومی را دیده‌اید که از جنگ فقط روایات دیگران یا تصاویر مستند را دیده‌اند. خودتان فکر می‌کنید سینمای دفاع مقدس توانسته با این نسل ارتباط برقرار کند؟

بابایی: نه، نتوانسته. به‌خصوص در سال‌های اخیر فیلم‌های دفاع مقدسی در اندازه‌ای نبوده که بتواند واقعیت تمام و کمال دفاع مقدس را به تصویر بکشد.

دوشن: دقیقا برمی‌گردیم به همان موضوعی که گفتیم. ببینید ما در سینمای دفاع مقدس دو نسل را با تکرار یك محتوای مشترك در این فیلم‌ها از خودمان راندیم. بنابراین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم نسل سوم جذب این سینما شوند.

بابایی: البته اتفاقات حاشیه‌ای که در متن جامعه وجود دارد هم در دلزدگی مردم از سینمای دفاع مقدس موثر است. بنابراین نمی‌توان از مردم چندان توقع داشت، اما از مسؤولان چرا!

دوشن: مردم ما نسبت به شهدا احترام بسیاری قائل هستند. چندوقت پیش فیلم مستندی می‌دیدم که تعدادی از شهدای نیروی هواپیمایی را پیدا کرده بودند. در فیلم نشان می‌داد شهدا را بدون هیچ مراسم خاصی به بهشت‌زهرا می‌بردند و فقط طبق رسم نیروی هواپیمایی روی تابوت‌ها نشانی از خلبان‌ها (هلمت) گذاشته بودند. دوربین اما، فقط واکنش مردم اطراف را نشان می‌داد که با وجود چنین تشییع بی‌شکوهی چقدر عکس‌العمل مردم فوق‌العاده است. می‌خواهم بگویم مردم احترام ویژه‌ای برای شهدا و جبهه و جنگ قائل هستند، اما وقتی ما همان‌طور که گفتم یك مفهوم خاص را مدام در فیلم‌های مختلف تکرار کنیم و به مردم القا کنید وقتی سراغ دیدن فیلم در این ژانر می‌روید باید چنین مفاهیمی را ببینید، ناخودآگاه مردم دلزده می‌شوند.

بین آثار سینمای دفاع مقدس کدام یك را بیشتر از بقیه می‌پسندید؟

دوشن: باشو غریبه‌ای کوچك، آژانس شیشه‌ای و به نام پدر.

بابایی: من هم فیلم‌هایی که آقای دوشن گفتند را دوست دارم و کلا فیلم‌هایی که در این حوزه حرفی برای گفتن داشته باشند و البته در سال‌های اخیر متاسفانه کمتر شاهد فیلمی هستیم که حرفی برای گفتن داشته باشد.

به نظر خودتان چرا در سال‌های اخیر کیفیت آثار دفاع مقدس پایین آمده؟

دوشن: فیلم‌های جدید ما در این حوزه دیدگاه مردم را کم دارد. فیلمسازان حوزه دفاع مقدس در سال‌های اخیر بعضا از دید خودشان به آن ایام نگاه می‌کنند، نه از دید مردم و مردم این دیدگاه را دوست ندارند.

به نظر شما در میان مسؤولان فرهنگی، اراده‌ای برای به حاشیه رانده شدن سینمای دفاع مقدس و انزوای کسانی که مایلند حرفه‌ای در این حوزه حضور جدی داشته باشند، وجود دارد؟

بابایی: فکر نمی‌کنم مسؤولان چندان رغبتی به کار حرفه‌ای در این حوزه داشته باشند. البته عنوان می‌کنند ما دغدغه فیلم‌های دفاع مقدسی را داریم، اما به مرحله عمل که می‌رسد عقب می‌کشند. البته این عقب‌نشینی معمولا شامل حال فیلمسازان جوان است؛ چون به کسانی که قبلا در این عرصه فیلمسازی کرده‌اند تسهیلات خوبی ارائه می‌شود، اما برای امثال ما ریسك نمی‌کنند.

البته این ذهنیت وجود دارد که شما به عنوان دختر شهید بابایی در دایره تقسیم تسهیلات و امکانات می‌گنجید.

بابایی: واقعا این‌طور نیست و هیچ اتفاق خاصی به‌واسطه دختر شهید بابایی بودن برای من نیفتاده. ما تا به امروز هر کاری انجام دادیم با کمترین هزینه و البته بالاترین کیفیت بوده، اما غالبا چنین تصور اشتباهی راجع به ما می‌شود.

خانم بابایی، «آقازاده» بودن یعنی چه؟

بابایی: «آقازاده» به فرزندان مسؤولان و مدیرانی را می‌گویند که از نام و نفوذ و قدرت پدرانشان سوءاستفاده می‌کنند. به‌خاطر جوی که ایجاد شده مردم وقتی من و امثال من را می‌بینند، می‌گویند «این هم یکی مثل اونهاست!». می‌خواهم بگویم همه را به یك چوب نرانیم. از کجا می‌دانید من از اسم پدرم سوءاستفاده کردم؟ از کجا می‌دانید دختر یا پسر شهید دیگری از اسم و موقعیت پدرشان سوءاستفاده کردند؟ من و امثال من در دایره مفهوم «آقازادگی» این جامعه نمی‌گنجیم، اما به ما می‌گویند «آقازاده» و این باعث دل‌شکستگی ما می‌شود.

البته به مفهوم واقعی و عمیق کلمه شما و امثال شما، آقازاده واقعی هستید!

بابایی: بله، پدران ما «آقا»ی به تمام معنا بودند، اما من و خانواده‌ام هیچ‌وقت هیچ سوءاستفاده از نام و جایگاه و موقعیت پدرمان نکردیم.

دوشن: خانم بابایی اگر جزو آقازاده‌های مصطلح بودند که الان ما مجبور نبودیم با سرمایه خصوصی فیلم بسازیم.

خانم بابایی خودتان به خاطر دارید یا کسی برایتان تعریف کرده که پدرتان اهل فیلم و سینما بودند یا خیر؟

بابایی: در زمان جنگ ما اصلا پدرمان را نمی‌دیدیم. ما آنقدر پدرمان را نمی‌دیدیم که حتی با هم یك مسافرت نرفتیم. تنها خاطره‌ای که از پدرم راجع به این موضوع به یاد دارم زمان اکران فیلم «عقاب»هاست. آن زمان از ایشان دعوت به تماشای فیلم در سینما کرده بودند که آن هم شاید حدود ده دقیقه در سالن نشستند و بعد رفتند که به کارشان برسند.

در پایان شما چه راهکاری برای فراهم آوردن بسترهای لازم جهت تسهیل کار کارگردانان جوانی که می‌خواهد در حوزه دفاع مقدس جدی کار کنند، دارید؟

بابایی: آیا واقعا ترتیب اثری به گفته‌های ما داده می‌شود؟ ما امروز با مشکلاتی در کارمان روبه‌رو شدیم که الان خود من به این نتیجه رسیدم دیگر کار دفاع مقدسی نمی‌سازم و البته افسوس هم می‌خورم؛ چون من و امثال من هستیم که می‌توانیم مفاهیم آن سال‌ها را عمیق به تصویر بکشیم. به نظرم برای خیلی از مسؤولان ما دیگر دفاع مقدس اولویت نیست، چون فقط حرفش را می‌زنند.